

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره یازدهم، زمستان ۱۴۰۱، ص ۱۲۳ - ۱۳۳

## نقد علوم انسانی سکولار از منظر آیت الله العظمی خامنه ای

یوسف فشکی<sup>۱</sup>

علی اکبر دالوند<sup>۲</sup>

سعید مطلبی<sup>۳</sup>

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۴</sup>

امین مرادی علیعربی<sup>۵</sup>

چکیده:

تعامل دین و علم همواره در تاریخ حکمت و فلسفه به چشم می خورد، ولی با شروع شخص ماکیاولی و جریان سکولاریسم که نسبت دین با امر حاکمیت و ساختار علمی منقطع شد، دین به انزوا رفت و عقل منقطع از وحی حکم فرما شد. لذا جریان علم با عقل خودبنیاد به اوج سکولاریزه شدن نهاد علم در جامعه خود فرو رفت و در این راستا، حکیم والا قدر آیت الله خامنه ای همگان را متوجه این موضوع کرده که سکولاریسم برگرفته از جهان

---

۱. دانش پژوه سطح (کارشناسی ارشد)، رشته فقه و اصول، حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)، تهران، استان تهران، ایران، نویسنده مسؤول،

yoseffeshki0@gmail.com

۲. دانش پژوه سطح (کارشناسی ارشد)، رشته فقه و اصول، حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)، تهران، استان تهران، ایران،

aliakbardalvand۶@gmail.com

۳. کارشناسی کارگردان سینما، پژوهشگر هنر و رسانه، فعال فرهنگی

saeidm۳۶۸@gmail.com

۴. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، دارای مدرک سطح چهار (دکتری)، رشته فقه و اصول، از حوزه علمیه قم؛ و مدرک دکتری رشته «قرآن و علوم»، گرایش «قرآن و حقوق»، از دانشگاه جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم، استان قم، ایران،

kariminia@quran.ac.ir

۵. دانش آموخته حوزه علمیه قم در سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته تفسیر و علوم قرآن، اشتغال به سطح چهار (دکتری)، رشته تفسیر و علوم قرآن، استاد دانشگاه معارف اسلامی،

moradi.amin2016@gmail.com

بینی الحادی و مادی می باشد و همچنین آسیب شناسی علم و راه برون رفت از چالش سکولاریزم را به روش توصیفی \_ تحلیلی برای همگان تبیین کرده اند. در ماهیت روش شناسی علم، ماهیت حسی را مورد خدشه قرار دادند و اشاره کردند که اگر جریان سکولار بخواهد در علم حرکت خود را ادامه دهد، علم مضر برای جامعه بشری خواهد شد و راه اصلی برون رفت از این مشکل را تعامل حوزه و دانشگاه خواندند.

کلیدواژه: سکولار، جهان بینی، دینگرایی، علم دینی، علم و دین، انسانگرایی، اومانیزم

## مقدمه

تاریخ غرب پر از مکاتب و ایسم‌های گوناگون بشری است، که از مهم‌ترین آنان که در غرب که تأثیر بسزایی گذاشت، سکولاریسم می‌باشد. این جریان دین را به عرصه انزوا و عقل خودبنیاد و منقطع از وحی، حکمفرما کرد و همچنین باعث نقطه عطف در تاریخ غرب و جریانات گوناگون شد، که شناخت و بررسی این جریان فکری در علوم بشری ضرورت این نوشتار را به همگان می‌رساند.

تطورات گوناگونی در طی این دو قرن، این جریان سپری کرده، به نحوی که در هر تطور بخشی از دین با عرصه علم متمایز شده است و لذا این جریان، فقط یک پارادایم تاریخی نیست، بلکه یک حقیقت عینی از غرب موجود می‌باشد که باطن غرب موجود را نمایان می‌کند. برای سنجیدن تأثیر این جریان در انزوا و حذف دین در عرصه علم و حاکمیت، رجوع به بیانات رهبر عظیم‌الشان انقلاب، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای کردیم، زیرا فقیه و سیاستمدار و هم نسبت به جریان‌های گوناگون باخبر هستند و ترکیب این دو باعث جامعیت ایشان شده است. رهبر معظم انقلاب در بیانات گوناگون روش بهره‌مندی از علوم انسانی و مضرات آن را به همگان گفتند. همچنین وقتی که به فرمایشات معظم له رجوع می‌کنیم، تأثیر جهان بینی و نگرش آن را در تولید علم نقش بسزایی می‌یابیم و این همان نقطه‌ای مغفول‌عنه در فضای علمی می‌باشد.

### ۱. چیستی سکولاریسم

واژه سکولاریسم (secularism) که برگرفته از واژه ی سکولار (secular) است، در معانی و حیطه‌های مختلفی کاربرد دارد. گرایشی است طرفدار و مروج حذف دین یا بی‌اعتنایی به آن و به حاشیه راندن نقش آن در ساحت‌های مختلف زندگی انسانی، مانند: سیاست، حکومت، علم، عقلانیت و اخلاق است. سکولاریسم در این معنا، یکی از ویژگی‌های تمدن و فرهنگ دوره‌های جدید بوده است و از مؤلفه‌های مدرنیته غربی به شمار می‌آید. (عبدالرسول بیات و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۳۲۸).

و در فرهنگ آکسفورد، سکولاریسم، این‌گونه تعریف شده است: «اعتقاد به این که قوانین آموزش دیگر امور اجتماعی بیش از آن که - یا به جای آن که - مبتنی بر مذهب باشد، بر داده‌های علمی بنا شود». (ر.ک: محمد حسنی، ۱۳۸۵، ص ۱۱).

به اعتقاد برخی از سکولارها که سکولاریسم را مکتب فکری و دارای پشتوانه های معرفت شناختی و فلسفی می دانند، انسان نه تنها می تواند مستقل از این یا آن دین خاص شئون زندگی این جهانی خود را تدبیر کند و بر مبنای ملاحظات فلسفی باید دست به چنین کاری بزند. (سعید اشیری، ۱۳۹۸، ص ۱۶۴).

در ادبیات فارسی برای این واژه مفاهیم، دنیاگرایی، دنیازدگی، دنیوی گری، جداانگاری دین و دنیا، دین زدایی، دنیوی سازی، دیانت زدایی، و عرفی شدن به کار رفته است. (رک: علی رضا شجاعی زند، ۱۳۸۱، ص ۵۸). سکولاریسم در مرحله ی ادعا مخالفتی با دین ندارد. گرچه سکولاریسم هم در وادی نظر و هم در وادی عمل، سرانجام به تقابل با دین می انجامد.

در مرحله ی ادعا خود را ضد دین و ضد باورهای دینی نمی داند و در عین حال، علاقه ای نیز به آن نشان نمی دهند. اما در عین حال ممکن است یک سکولاریست کارهای عبادی همچون رفتن به کلیسا و مسجد را برای به دست آوردن سلامت روانی سفارش کند؛ کاری که به روشنی رفتاری دینی تلقی می شود.

نکته ی قابل توجه این است که این توصیه از روی اعتقاد دینی او نیست، بلکه ناشی از رویکرد رفتارگرایانه و روان شناختی اوست. بر همین اساس از نظر باورمندان به سکولاریسم ایمان و الحاد هر دو با آن قابل جمعند. از نظر سکولاریست آنچه مهم است نفی دخالت دین و باورهای دینی در تأمین سعادت بشر است و اصالت دادن به سعادت دنیوی اوست، نه انکار و طرد ایمان. (محمد سربخشی، ۱۳۸۸، ص ۳۲).

و امروزه سکولار، به کسی یا چیزی گفته می شود به امور معنوی و مذهبی اعتنا و علقه نداشته و همه نیازمندیهای خود را از علوم تجربی، عالم ماده و عقل خود کند. به عبارت دیگر، سکولاریسم به معنای غیردینی کردن امور یا حاکم کردن نظام قوانین و ارزش ها و مقررات اجتماعی غیردینی به جای نظام دینی است. (زرشناس، ۱۳۹۸، ص ۱۴۲).

و در مفهوم متأخر سکولاریسم، کنار نهادن دین، کاهش نفوذ دین در جامعه، تبعید عنصر قدسی و ایمانی از حیات آدمی و مسکوت نهادن دین در حیات فردی و اجتماعی اخذ شده است. (علی سعیدی، ش ۱، ص ۱۷۰).

۲. مؤلفه های سکولاریسم از منظر آیت الله العظمی خامنه ای

۱-۲. سکولاریسم و جهان بینی الحادی

رهبرانقلاب در دیدار با اساتید دانشگاه ها می فرمایند: «حقیقتاً ما نیازمند آن هستیم که یک تحول بنیادین در علوم انسانی در کشور به وجود بیاید». (سخنرانی به تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱ ش.).

و ایشان در ادامه اشاره می کنند: «علوم انسانی آن وقتی صحیح و مفید و تربیت‌کننده‌ی صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که براساس تفکر الهی و جهان‌بینی الهی باشد». (سخنرانی به تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ ش.).

همچنین در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی می گویند: «باید تلاش کرد برای این که علوم انسانی را بر پایه‌های اسلامی، با دید اسلامی، با تفکر اسلامی، و مبتنی بر جهان بینی اسلامی تدوین کنیم». (سخنرانی به تاریخ ۱۳۷۱/۹/۱۹ ش.).

از منظر رهبر انقلاب علوم انسانی اسلامی نیست؛ چرا که پشتوانه جهان بینی الهی ندارد. لذا علوم انسانی غیرتوحیدی است. رهبری مرز بین جهان بینی الهی و مادی را ایمان به غیب می داند. (سخنرانی به تاریخ ۱۳۷۰/۷/۲۴ ش.).

ایشان نقش جهان بینی در تولید علوم انسانی را در دیدار با طلاب و اساتید حوزه علمیه این گونه بیان می کنند: «این که بنده در باره‌ی علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانشهای ذاتاً مسموم هشدار دادم هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رائج است، محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی اینها رائج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت می شوند؛ همین مدیران می آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می گیرند». (سخنرانی به تاریخ ۱۳۸۹/۷/۲۹ ش.).

و در جای دیگری در دیدار با بانوان قرآن پژوه اظهار داشتند: «من در باره‌ی علوم انسانی گلايه‌ای از مجموعه‌های دانشگاهی کردم. بارها، این اواخر هم همین جور ما علوم انسانی مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان‌بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است. این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون این که هیچ گونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند،

می آوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در بخشهای مختلف اینها را تعلیم میدهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخشهای مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و بر این اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آن وقت می‌توانند از پیشرفتهای دیگران، غریبها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد». (سخنرانی به تاریخ ۱۳۸۸/۷/۲۸ ش.).

و در دیدار با اساتید دانشگاه درباره فلسفه علوم انسانی بیان می‌کنند: «آنچه که به ما گزارش دادند، در بین این مجموعه‌ی عظیم دانشجویی کشور که حدود سه میلیون و نیم مثلاً دانشجوی دولتی و آزاد و پیام نور و بقیه‌ی دانشگاه‌های کشور داریم، حدود دو میلیون اینها دانشجویان علوم انسانی‌اند! این به یک صورت، انسان را نگران می‌کند. ما در زمینه‌ی علوم انسانی، کار بومی، تحقیقات اسلامی چقدر داریم؟ کتاب آماده در زمینه‌های علوم انسانی مگر چقدر داریم؟ استاد میرزی که معتقد به جهان بینی اسلامی باشد و بخواهد جامعه‌شناسی یا روانشناسی یا مدیریت یا غیره درس بدهد، مگر چقدر داریم، که این همه دانشجو برای این رشته‌ها می‌گیریم؟ این نگران‌کننده است. بسیاری از مباحث علوم انسانی، مبتنی بر فلسفه‌هایی هستند که مبنایش مادیگری است، مبنایش حیوان انگاشتن انسان است، عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است. خوب، این علوم انسانی را ترجمه کنیم، آنچه را که غربی‌ها گفتند و نوشتند، عیناً ما همان را بیاوریم به جوان خودمان تعلیم بدهیم، در واقع شکاکیت و تردید و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزشهای خودمان را در قالبهای درسی به جوانها منتقل کنیم؛ این چیز خیلی مطلوبی نیست». (سخنرانی به تاریخ ۱۳۸۸/۶/۸ ش.).

## ۲-۲. سکولاریسم و حذف دین از صحنه حکومت

این جهان بینی باعث می‌شود، دین از صحنه حکومت و علم منزوی شود، که دچار خطر بزرگی خواهد شد. لذا این خطر را رهبر انقلاب این چنین بازگو می‌فرماید: «بعضی‌ها مسجد را - برخلاف آنچه ما حالا عرض کردیم - از مسائل سیاسی می‌خواهند بکلی برکنار بدارند. [میگویند] آقا شما وارد سیاست نشوید، کار خودتان را بکنید.

کار خودتان یعنی چه؟ یعنی بیاید همان نمازتان را بخوانید و بروید؛ فقط پیش‌نمازی محض. این همان سکولاریسم است.

سکولاریسم به معنای بی‌دینی نیست، سکولاریسم به معنای این است که دین در غیر عمل شخصی، هیچ بروز و ظهوری نداشته باشد. نظام اجتماعی کاری به دین ندارد. بله، هرکسی در داخل نظام اجتماعی متنوع غربی و شرقی و امثال اینها خودش برای خودش، در دل خودش، در عمل خودش یک ارتباطی با خدا داشته باشد؛ سکولاریسم یعنی این. این همان چیزی است که دشمنان می‌خواهند؛ دشمنان همین را می‌خواهند.

آن دینی که با آن مخالفند، آن ایمانی که با آن می‌جنگند، آن ایمانی است که به ایجاد نظام اسلامی می‌انجامد و اسلام را قدرتمند می‌کند؛ با آن مخالفند. از اسلام می‌ترسند؛ کدام اسلام؟ اسلامی که دارای قدرت است، دارای نظامات است، دارای سیاست است، دارای حکومت است، دارای ارتش است، دارای نیروی مسلح است، دارای توانایی‌های علمی است، دارای توانایی‌های بین‌المللی [است]. از این جور اسلامی می‌ترسند و الا از اسلامی که ولو یک میلیون طرف‌دار هم فلان جریان یا فلان حزب یک گوشه‌ای در یک کشور یا در سراسر دنیا داشته باشد، اما قدرتی در اختیار ندارد، واهمه‌ای ندارند؛ کاری [در برابر آن] نمی‌کنند.

آن اسلامی که با آن مقابلند، با آن مخالفند، با آن دشمنند، کینه‌ی آن را در دل می‌پروراند، اسلام مقتدر است. آن وقت ما بیایم اسلام را در کانونهای اصلی خود یعنی مساجد، از مسائل جامعه، از مسائل سیاست، از مسیر جامعه، از مسیر جامعه بکلی منصرف کنیم؟ این جفای بزرگی است در حق مسجد». (سخنرانی به تاریخ ۱۳۹۵/۵/۳۱ ش.).

همچنین در ابتدای درس خارج فقه بیان می‌کنند که: «اروپائیان به مدت یکصد سال این ایده را در میان کشورهای اسلامی ترویج نمودند که برخی روشنفکران اسلامی همچون سیدجمال‌الدین اسدآبادی با آن مقابله کردند و در نهایت امام خمینی(ره) با هدایت نهضت اسلامی، حکومت اسلامی را براساس مبانی فقهی منطقی و قوی در ایران بنیان نهاد که خط بطلانی بر تز جدایی دین از سیاست بود. حوزه‌های علمیه باید با تحصیل منظم، کاهش تعطیلات و جهت‌دار کردن مباحث علمی به سوی تولید فکر و رفع نیازها و معضلات جامعه براساس فقه اسلامی بعنوان مبنای حاکمیت دینی گام بردارند». (سخنرانی به تاریخ ۱۳۸۰/۶/۱ ش.).

## ۳-۲. سکولاریسم و ماهیت مادی برای انسان

این جریان، ماهیت مادی برای انسان قائل می‌باشد، و رهبرانقلاب در دیدار با اساتید دانشگاه می‌فرمایند: «حرف این است که مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیرالهی است، مبنای مادی است، مبنای غیرتوحیدی است؛ این با مبانی اسلامی سازگار نیست، با مبانی دینی سازگار نیست». (سخنرانی به تاریخ. ۱۳۹۳/۴/۱ ش.).

## ۳. آسیب شناسی علم سکولار

### ۱-۳. ترویج اباحی گری در علم سکولار

رهبر انقلاب در دیدار با اساتید دانشگاه می‌فرمایند: «پیشرفتی که بر فردمحوری و اباحی لذاتی که انسان به طور مطلق دوست می‌دارد، مبتنی باشد، پیشرفت نیست». (سخنرانی به تاریخ. ۱۳۸۵/۸/۱۸ ش.).

از منظر رهبرانقلاب علم سکولار است که ترویج اباحه گری می‌کند و اینکه باعث پیشرفت در جوامع بشری نمی‌شود و در آینده نیز مضر برای جامعه بشری خواهد بود.

### ۲-۳. تقابل بین علم و دین در علم سکولار

رهبر انقلاب در باره این آسیب این چنین می‌گویند: «بعضی به غلط خیال می‌کنند که «علم‌گرایی» با «دین‌گرایی» نمی‌سازد. من دیده‌ام که در این چند سال اخیر، بعضی‌ها که اغراض خاص سیاسی دارند و ما آنها را می‌شناسیم، شاید عموم مردم ندانند که این افراد چه غرضی دارند، لیکن ما چون افراد را از روی سوابقشان بیشتر می‌شناسیم، زودتر برایمان قابل حدس است و بعضی‌ها هم که ممکن است غرض سیاسی نداشته باشند، اما همین‌طوری تشویق می‌کنند، برای القاء این معنا می‌کوشند که دین‌گرایی مردم که امروز در جامعه‌ی ما رواج دارد با علم‌گرایی منافات دارد و با علم‌گرایی می‌شود به دین‌گرایی مردم صدمه زد! اینها کور خوانده‌اند و اشتباه می‌کنند؛ این دو با هم هیچ منافاتی ندارند؛ زیرا دین اگر دین اسلام است که ما امروز طرفدار آن هستیم، دینی است که انقلاب می‌کند؛ دینی است که برای میدانها سرباز درست می‌کند؛ دینی است که به علم دعوت می‌کند. اصلاً علت این‌که مسلمانان توانستند برای مدت چند قرن مشعل علم را در دنیا به دست بگیرند، همین توجه اسلام به علم و دانش بود.

از فارابی تا خواجه نصیر، حدود سه قرن این مشعلداری ادامه داشته است؛ آن هم در سطح بالا، نه در سطح پایین. امروز نظرات خوارزمی در ریاضیات، یا نظرات ابن‌سینا در طب، نظرات منسوخ‌شده‌ی نیست؛ نظراتی است که بر اساس آنها نظراتی آمده، لیکن نسخ نشده است؛ نظرات باطل‌شده‌ی نیست؛ نظرات صحیحی است که البته



تکمیل شده است. همه‌ی اینها از کجا ناشی شدند؟ از دین اسلام ناشی شدند؛ یعنی آن عامل اصلی که توانست مسلمین را به این اوج علمی برساند، دین اسلام بود.

شما می‌دانید که در اروپا...ضدیت با دین بود. البته تا برهه‌یی از زمان، به خاطر آن دین‌کدایی، ضدیت با علم بود. حتی در اروپا هم اولین مشعلداران علم، افراد دینی‌اند. خود این «راجریکن» معروف - که فرانسویها به او «رژه بیکن» می‌گویند - کشیش است؛ آن هم کشیش فرانسویس‌کناست. نمی‌دانم شما با احوالاتشان آشنا هستید یا نه. اینها گروه کشیشی بسیار زهدگرایی هستند که خود را تابع «سن فرانسویس» می‌دانند؛ همان «سن فرانسویس» معروف قدیس، که این «سائفرانسویسکو»ی آمریکا هم به اسم اوست. اینها اسماء مقدس را روی شهرها می‌گذاشتند. این «سن فرانسویس» معروف، قدیسی بود که دستگاههای پاپ آن وقت، به خاطر افشاگری این شخص نسبت به تجملات دستگاه پاپ، دشمن خونیش بودند. او معارض دستگاه پاپ و معارض آن جاه و جلالها و آن ثروتها و آن زراندوزی‌ها بود؛ طرفدار زهد بود. اگر بخواهیم مشابه «راجریکن» را در میان نحله‌های اسلامی بیابیم، باید مثلاً او را در زمره‌ی تصوف خاکساری که کارشان درویشی و گدایی است بدانیم. کشیش این رشته «راجریکن» معروف است که در قرن سیزدهم میلادی، از اولین پرچمداران علم در اروپاست.

به عبارت دیگر، اولین جلوه‌های علم که به رنسانس اروپا منتهی شد و آن تحول علمی را پدید آورد، باز از طرف مذهبی‌ها بود؛ منتها مذهبی‌های روشن، نه مذهبی‌های تاریک‌ذهن. «ابن‌سینا»ی ما هم همین‌طور بود. خود «ابن‌سینا» یک عالم دینی است؛ او به یک معنا اصلاً یک عارف است. «بیرونی» هم یک عالم دینی است، که آن «تحقیق ماللهند» را نوشت. می‌دانید که اسم این کتاب، از یک بیت شعر گرفته شده است:

تحقیق ماللهند من مقوله

مقبولة فی‌العقل او مردولة

او در زمان خود، در ریاضی و در نجوم و در علوم متفرق، تبحر داشت. «شیخ بهایی» هم که یک آخوند به تمام معنای کامل است، همین‌طور بود. در زمان «شیخ بهایی»، رشته‌های دینی در آن مسیر و جریان صنفی آخوندی افتاده بود. در گذشته، صنفی به این شکل که نبوده است؛ یک روحانی بوده که در همه‌ی علوم عالم بوده؛ مثل خود «ابن‌سینا» که شاگرد فلسفه هم داشته، شاگرد طب هم داشته است؛ اما «شیخ بهایی» مربوط به آن دورانی است که روحانیت جنبه‌ی صنفی پیدا کرده بود؛ یعنی یک آخوند حرفه‌یی منبر و محرابی، با آن‌گونه دانشهای کدایی.

پس، آن روح دینی، با روح علمی اصلاً منافاتی ندارد؛ بلکه روح دینی، کمک و پشتیبان روح علمی است.» (بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار اعضای گروه دانش صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵ ش.۰).

#### ۴. راه برون رفت از چالش سکولاریسم

##### ۴-۱. وحدت حوزه و دانشگاه به عنوان برون رفت از چالش سکولاریسم

رهبرانقلاب می فرمایند: «وحدت حوزه و دانشگاه یعنی وحدت در هدف. هدف این است که همه به سمت ایجاد یک جامعه اسلامی پیشرفته مستقل، جامعه‌ی امام، جامعه‌ی پیشاهنگ، جامعه‌ی الگو و ملت شاهد ملتی است که مردم دنیا با نگاه به او جرات پیدا کنند، تا فکر و تحول را در ذهن خودشان بگذارند و در عملشان پیاده کنند حرکت نمایند. و در این راه ایجاد چنین کشور و جامعه و ملتی، عاجی جزء این نیست که دانشجو و طلبه، حوزه و دانشگاه، روحانی و روشن فکر تحصیل کرده، در کنار هم، دوش به دوش هم و با هم، به سمت یک هدف حرکت کنند؛ بدون این نمی شود. حرکت نمایند» (رک: حسن قدوسی زاده، ۹۴، ص ۴۸).

و همچنین در ادامه می فرمایند: «نظام اسلامی، علم و دین پایه‌ها حرکت کنند. هدف حوزه دانشگاه یعنی این. ... دو شعبه از یک مؤسسه علم و دین. مؤسسه علم و دین یک مؤسسه است و علم و دین با همدیگر. این مؤسسه دو شعبه دارد، یک شعبه حوزه‌های علمیه و شعبه دیگر دانشگاه‌ها. باید این دو با هم مرتبط و خوشبین باشند، با هم کار کنند از همدیگر جدا نشوند و از یکدیگر استفاده کنند.» (سخنرانی به تاریخ ۱۳۶۹/۹/۲۸ ش.۰).

##### ۴-۲. تولید و ترویج مبانی حکومتی و اجتماعی در اسلام به عنوان برون رفت از چالش سکولاریسم

رهبرانقلاب در دیدار جمعی از دانشجویان در این باره اینچنین بازگو می کنند: «قرن نوزدهم که اوج تحقیقات علمی در عالم غرب می باشد، عبارت از قرن جدایی از دین و طرد دین از صحنه‌ی زندگی است. این تفکر، در کشور ما هم اثر گذاشت و پایه‌ی اصلی دانشگاه ما بر مبنای غیردینی گذاشته شد. علما از دانشگاه روگردان شدند و دانشگاه هم از علما و حوزه‌های علمیه روگردانیدند. این پدیده‌ی مرارتبار، هم در حوزه‌ی علمیه و هم در دانشگاهها سوء اثر گذاشت. در حوزه‌های علمیه سوء اثر گذاشت؛ زیرا علمای دین را صرفاً به مسایل ذهنی دینی - ولاغیر - محدود و محصور کرد و آنها را از تحولات دنیای خارج بی خبر نگهداشت. پیشرفت های علم از نظر آنها پوشیده ماند و روح تحول‌گرایی و ضرورت تحول در فقه اسلام و استنباط احکام دینی - که همواره در

تحولات عظیم جهانی، چنین تحولی در استنباط دین و فقه اسلام وجود داشته است و فقه برای رفع نیاز جامعه، مستند به قرآن و سنت است - در حوزه‌ها از بین رفت.

حوزه‌ها از واقعیت زندگی و حوادث دنیای خارج و تحولات عظیمی که به وقوع می‌پیوست، بی‌خبر ماندند و به یک سلسله مسائل فقهی و غالباً فرعی محدود شدند. مسائل اصلی فقه - مثل جهاد و تشکیل حکومت و اقتصاد جوامع اسلامی و خلاصه فقه حکومتی - منزوی و متروک و «نسیباً منسیباً» شد و به مسایل فرعی و فرع الفرع و غالباً دور از حوادث و مسایل مهم زندگی، توجه بیشتری گردید. این، ضربه‌یی بود که به حوزه‌های علمیه وارد آمد و دست سیاستها هم از این استفاده کرد و با تبلیغات و روشهای شیطنت‌آمیز، هر چه توانستند حوزه‌ها را از تحولات زندگی دورتر کردند». (سخنرانی به تاریخ ۲۹/۹/۱۳۶۸ ش.).

#### نتیجه

فرآیند شکل‌گیری سکولاریسم با مبانی الحاد صورت گرفته است، که روش آن حس و تجربه‌گرایی می‌باشد. ساختار فکری این جریان، یک جهان بینی مادی محض و غیرتوحیدی است، که بنیان‌های فلسفی را به همراه خود دارد. همچنین از منظر آیت الله خامنه‌ای این جریان تأثیر مهمی در علم بشری نهاده است و ادامه آن، علم بشری را از جایگاه هدایت به ضلالت خواهد برد. آیت الله العظمی خامنه‌ای راهکار برون رفت از این چالش را، تقویت فقه حکومتی و جنبه‌های اجتماعی در اسلام توسط حوزه‌های علمیه و تعامل حوزه و دانشگاه می‌دانند.

#### منابع و مآخذ

۱. اشیری، سعید، دوران جدید عالم، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ سوم، بهار ۱۳۹۷
۲. بیات، عبدالرسول، انتشارات اندیشه و فرهنگ دینی، چاپ سوم ۱۳۸۶
۳. سربخشی، محمد، اخلاق سکولار، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول ۱۳۸۸
۴. سعیدی، علی، مبانی و لوازم کلامی سکولاریزم، فصل نامه کتاب نقد، شماره ۱، ص ۱۷۰
۵. شجاعی زند، علیرضا، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، انتشارات باز، چاپ اول ۱۳۸۱
۶. زرشناس، شهریا، واژه نامه سیاسی\_فرهنگی، انتشارات نشر معارف، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۷
۷. حسنی، محمد، فرهنگ و رسانه‌های نوین، انتشارات مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، سال ۱۳۸۵
۸. قدوسی زاده، حسن، نکته‌های ناب، ج ۱، انتشارات نشر معارف، چاپ اول ۱۳۹۴